

خوانش هویت شهری با تأکید بر ارزش‌های فرهنگی نهفته در خاطرات جمعی شهروندان (مطالعه موردی: شهر بجنورد)*

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۲/۱۶

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۳/۱۲

کد مقاله: ۱۲۵۶۷

قاسم مطلبی^{۱*}، عاطفه صداقتی^۲

چکیده

خاطرات جمعی بخشی از ارزش‌های فرهنگی شهرهاست که علاوه بر نقشی که در هویت بخشی به آنها ایفا می‌نماید، موجبات لمس تجربه تکرارشدنی از نسلی به نسل دیگر را فراهم می‌سازد. تحولات پرشتاب شهر بجنورد پس از مرکز استان شدن تأثیرات فراوان و گاه مخربی را بر شهر داشته‌است. مسأله بدهویی شهرهای ما مسأله جدیدی نیست لیکن چگونگی برخورد با آن، با وجود سابقه مسأله، هنوز مشخص نیست. هدف این تحقیق، شکل‌دهی به هویت ویژه شهر بجنورد بر مبنای ارزش‌های فرهنگی درون شهر (خاطرات جمعی و روایت‌ها) است. لذا سعی شده است بر اساس تجربیات ساکنین شهر بجنورد، مفهوم خاطره جمعی شهر بررسی شود. پژوهش با بهره‌گیری از پارادایم کیفی و به روش گراند-تئوری انجام شده است. مشارکت کنندگان ۵۱ نفر شامل ۳۲ زن و ۱۹ مرد و ساکن (بومی) شهر بجنورد بودند. برای جمع‌آوری داده‌ها از مصاحبه‌های نیمه ساختارمند استفاده شد. طبق یافته‌ها، که حاصل بررسی داده‌ها در ۶ مقوله هسته‌ای، ۴۱-مقوله، ۵۵ مفهوم اصلی و ۱۵۶ نشانه (کد) در محیط نرم‌افزار مکس کیودا است، «نشانداری مکان (مکان با ویژگی خاص)» (۷۳ ارجاع) و «هنرهای بومی و مراسمات محلی» (۳۵ ارجاع) بعنوان دو مقوله هسته‌ای با بیشترین فراوانی نشانه‌های ارجاعی استنباط شدند. این مفهوم معرف چگونگی خلق خاطرات جمعی در شهر بجنورد است. بر اساس یافته‌های مطالعه، توصیه می‌شود در برنامه‌های توسعه شهری بجنورد، تقویت نشانه‌ها با بیشترین فراوانی و همچنین سرمایه‌گذاری بر روی سایر نشانه‌های معرفی شده، به منظور تولید خاطرات جمعی مشترک شهروندان در دستور کار قرار بگیرد.

واژگان کلیدی: ارزش فرهنگی، هویت، خاطرات جمعی، شهروندان، بجنورد

۱- دانشیار گروه آموزشی معماری، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول) (motalebi@ut.ac.ir)

۲- دانشجوی دکتری شهرسازی اسلامی دانشگاه هنر اسلامی تبریز

*- این مقاله مستخرج از دروس دوره دکتری شهرسازی اسلامی، به راهنمایی نویسنده اول در دانشگاه هنر اسلامی تبریز انجام یافته است.

۱- مقدمه

امروزه، توجه به ارزش‌ها در عصری که بحران هویتی در آن بارز شده‌است، به عنوان جزئی لاینفک از توسعه شهری، مدنظر قرار گرفته‌است. شناخت و شناسایی ارزش‌های فرهنگی موجود در شهرها و تعمیم آن در شکل کاربری و کالبدی خاص که زبیده این ارزش‌ها است، امری خطیر در روند توسعه شهری خواهد بود. شهرهایی که ارزش‌های فرهنگی بالایی دارند، می‌توانند فرهنگ، پیشینه و سوابق تاریخی خود را به نمایش گذاشته و در ارتقای تصویر شهر نقش مهمی را ایفا نمایند. از دیدگاه خاص شهرسازی، مقوله هویت، دست کم به لحاظ تسهیل در ادراک معنی محیط، در زمره یکی از مهم‌ترین مفاهیم کیفی در مباحث انسانی-محیطی است (دانشپور، ۱۳۸۳: ۶۲). این ایده که شهرها به طور نمادین با ارزش‌ها، سبک‌های زندگی و ایده‌های خاصی ارتباط دارند، پیشینه‌ای طولانی دارد. تفسیر شهر، تولید تصاویر و داستان‌های جدید شهری و فرایندهای هویت‌سازی، درک ما از شهرهای خاص را اصلاح می‌کند (هوبارد، ۱۳۹۴: ۱۱۵). جامعه شهری بایستی به گونه‌ای باشد که شهروندان در زندگی روزمره‌شان نوعی تجربه منحصر به فرد مانند خلق اثر هنری به دست‌آورد. پیوند فرهنگ و شهر ایده تازه‌ای نیست آنگونه که مامفورد شهر را مکانی می‌داند که پیچیدگی فرهنگ در آن نمایان می‌شود. از نظر کیفی، در دوره معاصر، شهر مدرن، جایگزین شهر کهن شده‌است و این تحول نوعی انقلاب فرهنگی همه جانبه است؛ زیرا شهر کهن ایرانی عرصه تبلور فرهنگ و سنت تاریخی، باستانی و کهن ایرانی بود، جایی که اندیشه ایران شهری در آن تحقق یافته بود. اما شهر مدرن خاستگاه یا پرورشگاه فرهنگ مدرن یا تجدد است (فاضلی، ۱۳۹۲: ۱۹-۱۵). به عبارت دیگر، دگرگونی نگرش انسان به جهان، دگرگونی هویت‌ها را در پی داشت. انسان سنتی هویت خود را خارج از جهان مادی جستجو می‌کرد و انسان مدرن آمده بود تا خود را و جهان را آن گونه که می‌خواست بسازد. هویت در جامعه سنتی واحد و در جامعه مدرن، متکثر و اکتسابی است (حجت، ۱۳۸۴: ۵۵ و ۵۸). توسط رابطه‌ی ادراکی که بین انسان و محیط برقرار می‌شود، محیط معانی و مفاهیمی را به ذهن انسان القا نموده و در نتیجه ارزش‌هایی را نیز متذکر و یادآور می‌شود. درحالی‌که در گذشته، کالبد شهر توازن و تعادل و مقیاسی انسانی و از همه مهم‌تر معنوی را به انسان القا می‌نمود، محیط شهری امروز، القا کننده بی‌نظمی، فشار روانی، ناهماهنگی، بی‌تناسبی، زشتی و از همه بدتر سیطره مادیت و کمیت بر زندگی انسان است (نقی زاده، ۱۳۸۱: ۷۰). از آنجا که هویت فرهنگی، ویژگی اساسی ذهنیت و تفکر انسانی را می‌سازد، لذا این هویت و تعلق باید در تمام سطوح بازبینی و احیا شود و شیوه‌های ارتقای ظرفیت‌های فرهنگی برای بهبود کیفیت زندگی انسانی مورد ارزیابی قرارگیرد (رضوانی، ۱۳۹۵: ۱۵). دواقع، شهر بدون خاطره، فاقد هویت است و علاوه بر آن موجب می‌شود فرصت درک و لمس تجارب تکرار نشدنی از نسل‌های بعدی گرفته شود (نژاد ابراهیمی و مقدسیان، ۱۳۹۳: ۲).

شهر بجنورد، مرکز استان خراسان شمالی، با توسعه شتابان به ویژه در دهه اخیر به دلیل مرکزیت استان، با تغییرات بسیار کالبدی مواجه بوده است. علی‌رغم توسعه چشمگیر شهر بجنورد در برخی ابعاد، روند غیر اصولی و شتابزده شهر در بافت‌های فرسوده (بویژه در محل هسته مرکزی شهر و راسته بازار شهر) و عدم توجه به عناصر شکل‌دهنده تصویر ذهنی شهروندان، خاطرات جمعی موجود در برخی از این مکان‌ها، تأمل بر انگیز شده است. فقدان مدیریت صحیح در دگرگونی‌ها و دگردیدی عناصر شهری سبب شده‌است که رفته رفته ارزش‌های فرهنگی خود را به فراموشی بسپارد. پژوهش حاضر با هدف شکل‌دهی به هویت «ویژه» شهر بجنورد بر مبنای ارزش‌های فرهنگی درون شهر (خاطرات جمعی و روایت‌ها) سعی دارد تا موجبات شناسایی تجارب گذشته و دستیابی به هویت متناسب با شهر بجنورد را فراهم سازد. لذا طی چند مرحله، ارزش‌های فرهنگی شهر را با تأکید بر خاطرات جمعی و روایت‌ها مورد کنکاش قرار داده، سپس به کمک نرم افزارهای تحلیل محتوای کیفی و روش تئوری زمینه‌ای^۱، مفهوم خاطره جمعی متناسب با شهر بجنورد، ارائه شده است. در همین راستا، سوال اصلی پژوهش این است که کدامیک از خاطرات جمعی و روایت‌های مردم بیشتر از دیگری می‌تواند در حفظ و ارتقای هویت شهر بجنورد بر مبنای ارزش‌های فرهنگی موثر واقع گردد. بدین منظور در روند مطالعه دو سوال که مقدمه نیل به پاسخ مناسب برای سوال اصلی بودند، مد نظر قرار گرفت. اینکه چگونه ارزش‌های فرهنگی در هویت‌بخشی به شهر می‌تواند تجلی یابد و ارزش‌های فرهنگی چگونه می‌تواند از طریق خاطرات جمعی شهروندان به حفظ هویت شهری کمک نماید؟

۲- ادبیات نظری تحقیق

محققینی چون راپاپورت، پروشانسکی، ریجر، لاورکاس و لینچ اشاره می‌کنند که آنچه محیط کالبدی را به عنوان بستر ارتباطی غیر کلامی بیان می‌کند، در اصل، نمادها و سمبل‌های محیطی مشترک اجتماعی از یک سو و از سوی دیگر، قابلیت‌های محیطی در تأمین و گسترش نیازهای انسانی (حس تعلق) است. در این حس تعلق، محیط به عنوان بستر فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی است که افراد، عناصر کالبدی را بر اساس ادراک و نظام ساختار شناختی خود کشف، تفسیر و تعبیر می‌کنند و در اصطلاح، انسان‌ها به

۳- پیشینه‌ی تحقیق

با مرور دیدگاه و پژوهش محققین در حوزه مرتبط با مبحث خاطرات جمعی، می‌توان خاستگاه، تعریف، مفهوم و فرآیند تحلیل خاطرات جمعی شهروندان را بهتر شناسایی نمود و مطالعات حاضر را عمق بخشید. گمبریج^۱ (۱۹۷۰) در کتاب معروف خود درباره بیوگرافی واربرگ^۲، مبحث خاطره اجتماعی^۳ را مطرح می‌کند. واربرگ برای اولین بار اشاره کرد که آشنایی با اسطوره‌شناسی، ادبیات، تاریخ، و حیات اجتماعی و سیاسی دوران خاص، از جمله ضروریات تحلیل آثار هنری به شمار می‌روند. اسپجاستر^۴ و همکاران (۱۹۷۸) در مقاله خود به ارائه و بررسی تئوری خاطره (حافظه) ریچارد سیمون^۵ می‌پردازند. محققین متفاوتی من جمله یانگ^۶ (۱۹۵۶) و روسل^۷ اشاره می‌کنند که «بسیاری از ایده‌های مدرن در مورد موضوع [حافظه] به ریچارد سیمون برمی‌گردد». هوسین^۸ (۱۹۹۷) مدعی است که برلین چیزی شبیه یک منشور است که ما می‌توانیم مسائل مربوط به شهرنشینی و معماری معاصر، هویت ملی و دولت، حافظه تاریخی و فراموشی را متمرکز کنیم. بعنوان مثال، موزه برلین، بعنوان نمادی از خاطره جمعی و عمومی است که تاریخ مردم (چه زنده و چه ساکنین از دنیا رفته) را در خود دارد. طبق نظر کون فی نو^۹ (۱۹۹۷) خاطره جمعی، کشف یک هویت مشترک است که یک گروه اجتماعی را تشکیل می‌دهد، یعنی یک خانواده یا یک ملت، هرچند اعضای آن منافع و انگیزه‌های متفاوت دارند. خاطره جمعی، برای هر جامعه تصاویری از گذشته را می‌سازد. با این حال، برای ایجاد یک تفاوت در جامعه، زمانی مخصوص از گذشته انتخاب نمی‌شود. خاطره جمعی باید احساسات را هدایت کند، مردم را برای انجام عملی انگیزه دهد؛ به طور خلاصه، باید تبدیل به یک شیوه عملی اجتماعی- فرهنگی شود. آبی واربرگ^{۱۰} (۱۸۲۹-۱۹۶۶) اصطلاح خاطره اجتماعی را استفاده کرد هرچند هرگز به طور سیستماتیک مفهوم خاطره اجتماعی را توسعه نداد. موریس هالباکس، جامعه‌شناس فرانسوی، اولین کسی بود که مفهوم حافظه جمعی را به طور سیستماتیک مورد استفاده قرار داد. آیرمن^{۱۱} (۲۰۰۳) ضمن اشاره به یک آسیب در مورد بردگیاز آن بعنوان یک خاطره جمعی یاد می‌کند؛ یک یادآوری فراگیر، که احساس مردم را در خود جمع کرده استو سبب ترجیح آنها به زندگی در مجاورت یکدیگر می‌کند. بی‌لیس^{۱۲} (۲۰۰۴) در پژوهش خود به برنامه‌ریزی خلاق ایرلند بر اساس نقش پایه فرهنگ، می‌پردازد. وی در بخشی از کار خود، به نقل از کووین^{۱۳} (۱۹۹۸) اشاره می‌دارد که جوامع مهاجر ایرلندی، اعمال و عادات‌های اجتماعی حول فعالیت‌های موسیقی را توسعه می‌دهند و بدین‌وسیله بصورت جمعی هویت ایرلندی را سبب می‌شوند. امروزه، با توجه به این سنت تاریخی، فرهنگ موسیقی ایرلند در سطح بین‌المللی شکوفا شده است. یون^{۱۴} (۲۰۰۵) به جستجوی هویت مکان در سنگاپور می‌پردازد. وی اشاره می‌کند مناظر شهری ذخایر خاطرات هستند؛ هویت یک جنبه مهم در روند برنامه‌ریزی خواهد بود همچنانکه به دنبال حفظ ساختمان‌های بیشتر برای حفظ شخصیت جمعی و حافظه (خاطره) مکان‌ها هستیم. در این وضعیت، ساکنین شهر، با خاطراتی که جزء مهمی از هویت جمعی هستند، احساس می‌کنند که «این مکان از آن آنهاست» و ظرافت زیادی به منظره‌ی مدرن اضافه می‌شود. کرینسون^{۱۵} (۲۰۰۵)، در کتاب خود با موضوع حافظه (خاطره) شهری^{۱۶} (تاریخ و فراموشی در شهر مدرن) به «خاطره جمعی» بعنوان آنچه بایستی از مفهوم شخصی بیرون دیده شود، اشاره می‌کند. رد وود^{۱۷} و همکاران (۲۰۰۸) در پژوهش خود اذعان می‌دارند که ما در حال حاضر شاهد کم‌رنگ شدن خاطره فردی و جمعی در ازای ظهور فراموشی تاریخی هستیم. لویکا^{۱۸} (۲۰۰۸) به مطالعه خاطره جمعی در ساکنین دو شهر می‌پردازد. وجود زمینه قومی حائز اهمیت شناخته شده است. میزتال^{۱۹} (۲۰۱۰) در پژوهش خود اشاره می‌کند که شهر با خاطره‌های حفظ شده و فراموش شده، بایستی بتواند با جامعه‌ی جهانی، جامعه‌ی تکاملی و دموکراتیک سازگارتر شود. ری ان و اوگیل وی^{۲۰} (۲۰۱۱) به موضوع کشف معانی

1- Gombrich

2- Aby Warburg : *An Intellectual Biography, with a Memoir of the Library* by F. Saxl.

3- social memory

4- Schacter

5- Semon's Theory of Memory

6- Young

7- Rssell

8- Huyssen

9- Confino

10- Aby Warburg

11- Eyerman

12- Bayliss

13- Quinn

14- Yuen

15- crinson

16- urban memory

17- Redwood

18- Lewicka

19- Misztal

20- Ryan and Ogilvie

پنهان (ارزش‌ها و بینش از طریق عکس) می‌پردازند. دوگان و سرکی سی^۱ (۲۰۱۳) در پژوهش خود اشاره می‌کنند که زمانیکه حافظه (خاطره) جمعی شهری، از شهر پاک می‌شود، منابع تصویر شهر از نظر فیزیکی و از نظر ذهنی مردم ناپدید می‌شوند. تای قی و اوپلت^۲ (۲۰۱۶) مساله خاطره جمعی و برنامه‌ریزی بعنوان میراث مداوم نوسازی شهری در آشوبل^۳ کارولینای شمالی را مورد بحث قرار داده‌اند. هارولد و فونگ^۴ (۲۰۱۷) نشان می‌دهند که چگونه خاطره جمعی، الگوهای مسکونی یهودیان در تورنتو و گزینه‌های اقامتی را تحت تاثیر قرار می‌دهد و چگونه الگوی خوشه‌های مسکونی، منعکس‌کننده پیامدهای رفتاری خاطره جمعی گروه است. جین^۵ و همکاران (۲۰۱۷) اشاره می‌کنند که تصور و تجسم اصلی شهر اروپایی معمولاً بر اساس یک شالوده فرهنگی در مرکز است و ثبت خاطره جمعی، در چشم‌انداز شهری، یک فرآیند بسیار انتخابی است. در همین راستا، به نقل از فووت و آذرباهو^۶ (۲۰۰۷) محققین اضافه می‌کنند که ما فقط چیزی را که مشخص و بارز شده است می‌بینیم، نه آنچه که عینیتی نیافته است.

حیبی (۱۳۸۷)، اشاره می‌کند که فضای شهری صحنه واقعی حادثه و انباشت خاطره‌های جمعی و فردی است. حیب و همکاران (۱۳۸۷) در اتصاف مفهوم هویت به شهر، به بررسی این مساله می‌پردازد که کالبد وابسته به هویت است یا هویت وابسته به کالبد؟ طبق نتایج ایشان، هویت شهر، حالتی ذاتی و دروندادی داشته که بر کالبد شهر تاثیر می‌گذارد. لذا سیمای کالبدی شهرهای وابسته به یک فرهنگ و جهان‌بینی خاص را از فرهنگ و ساختار اجتماعی دیگر متمایز می‌کند. حسینی کومله (۱۳۸۷) نقش باورهای اسطوره‌ای و خاطرات تاریخی در پایداری یک سکونتگاه را بررسی می‌نماید. میرمقتدایی (۱۳۸۸) معیارهای سنجش امکان شکل‌گیری، ثبت و انتقال خاطرات جمعی در شهر را مورد بررسی قرار می‌دهد. سلطانی و همکاران (۱۳۹۱) در نمونه موردی شیراز، بحث شکل‌گیری، تقویت و مانایی خاطره در فضاهای شهری را مد نظر قرار می‌دهد. حسینی میان رودی و همکاران (۱۳۹۶) در پی کشف مؤلفه‌های تاثیرگذار بر شکل‌گیری حس خاطره جمعی شهری از یکسو و ارایه الگوی مفهومی نشانه شناختی مستتر در فضاهای شهری در راستای بازیابی خاطره‌انگیزی فضاهای شهری پژوهش نموده‌اند. اهری (۱۳۹۰) نشان می‌دهد که چگونه با کم‌رنگ شدن نقش جشن‌ها در حیات جمعی شهری و از دست رفتن تدریجی فضای مناسب و تعریف‌شده برای مشارکت مردم در آنها، یکی از محمل‌های اصلی ایجاد خاطره جمعی از حیات شهری حذف می‌شود. زندیه و سامه (۱۳۸۸) اشاره می‌کنند که هویت در شهر به واسطه ایجاد و تداعی خاطرات جمعی در شهروندان، تعلق خاطر و وابستگی را نزد آنان فراهم کرده و مفهومی چون شهروند شدن را که فراتر از ساکن بودن است، پدید می‌آورد. عسگری و نقیبی راد (۱۳۹۲) درمی‌یابند که فضای باز شهری می‌تواند با بهره‌گیری خاطرات جمعی ساکنین خود، جامعه‌ای پایدار را در خود جای دهد. حسینی کومله و ستوده علمباز (۱۳۹۲) اشاره می‌کنند که زیستگاه‌های انسانی آینده از خاطراتی هستند که ساکنان از گذشته‌های خویش در ذهن دارند. ساعدپناه و اساسی (۱۳۹۴) نشان می‌دهند که خاطره‌زدایی و انقطاع از گذشته در دنیای مدرن موجب شده تا در قرن معاصر، برخی از خاطره‌های مشترک، مورد بی‌اعتنایی قرار گرفته و مکان‌های خاطره‌انگیز از میان برود. جهانبخش^۷ و همکاران (۲۰۱۵) دو رویکرد اصلی در استفاده از حافظه جمعی (حفاظت از اشیاء به یاد ماندنی و ارائه خاطرات جمعی) را پیشنهاد می‌کنند. صدقی و بذرافکن (۱۳۹۶) رابطه تجربه‌ی خاطره جمعی در زندگی روزمره و اجتماع‌پذیر شدن فضا را مورد بررسی قرار می‌دهند. ترکاشوند و همکاران (۱۳۹۶) اشاره می‌کنند که هویت شهری زمینه‌ساز تشخیص و اعتبار شهروندان از طریق تداعی خاطرات و ایجاد حس تعلق در آنها، می‌شود.

نتیجتاً می‌توان گفت: خاطرات جمعی ابتدا در مطالعات روانشناسان و هنرمندان (تفسیر آثار هنری) نمودار شد. در شهرسازی بحث خاطرات جمعی با ایجاد و حفظ هویت جمعی عجین شده است. آنجا که «خاطرات جمعی» زمینه ساز «هویت مشترک» و هویت مشترک انعکاس دهنده «خاطرات جمعی» مشترک است. با توجه به ماهیت بین رشته‌ای مبحث خاطرات جمعی، برخی محققین تنها بر روی موضوع خاصی متمرکز شده‌اند. بعنوان مثال صرفاً جشن‌ها و مناسبت‌های گروهی. مطالعات نشان می‌دهند که اهمیت تاریخ یک شهر در یافتن نقاط مشترک بین مردم شهر زیاد است. از آنجا که تاریخ شهر در جریان است، هویت شهر نیز امری ثابت نیست. لذا برای اینکه آینده شهر با گذشته شهر، دو حکایت متفاوت نباشد، ضرورت دارد نقاط مشترک تاریخی مردم شناسایی شود و در برنامه‌ریزی آتی شهر در نظر گرفته شود. برخی از نقاط مشترک و وجهه‌ی تاریخی - فرهنگی - اجتماعی بین مردم یک شهر، جنبه منفی دارد و برخی دیگر جنبه مثبت. خاطره جمعی‌ای که بایستی حفظ شود، ماهیت انتخابی دارد. این مردم و برنامه‌ریزان شهری هستند که بایستی طی تعاملی سازنده در بیابند که کدام خاطرات باید حفظ شوند و نمایش عینی بیابند. خاطره جمعی که نمود ظاهری نیابد، به دست فراموشی سپرده می‌شود و بار انتقال فرهنگی - خاطرتی ندارد.

- 1- Dogan & Sirkeci
- 2- Tighe and Opelt
- 3- Asheville
- 4- Harolda and Fong
- 5- Jein
- 6- Foote and Azaryahu
- 7- Jahanbakhsh

۴- داده‌ها و روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر به لحاظ روش، توصیفی-تحلیلی از نوع کاربردی با رویکرد کیفی می‌باشد. رویکرد کیفی مطالعات به این معنی است که واقعیت‌های مورد بررسی پژوهش، گاه عینی‌اند و گاه از سوی شرکت‌کنندگان در تحقیق پدید خواهند آمد. لذا معنایی که مردم می‌آفرینند و پدیده‌های درونی دیگر، مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این بین ممکن است پس از گردآوری داده‌ها، مفاهیمی کشف شوند که تا قبل از این، اهمیت زیادی نداشته‌اند یا مورد غفلت واقع شدند. در این پژوهش از روش‌شناسی نظریه‌های زمینه-گرا بهره گرفته شده است تا داده‌های گردآوری شده را تحلیل کرده و به نظریه‌ای مبتنی بر واقعیات و داده‌های مستخرج از محیط مطالعه برسد. به این صورت که بعد از مطالعه ادبیات موجود و رسیدن به حساسیت نظری، نمونه‌گیری نظری، گردآوری داده‌ها و شناسه‌گذاری و تحلیل هم‌زمان آغاز می‌شود و تا مرحله اشباع نظری ادامه می‌یابند. در مرحله اشباع نظری، با کمک فرایند شناسه-گذاری مدل یا نظریه ساخته می‌شود.

روش جمع‌آوری داده‌ها (ابزارهای گردآوری داده): داده‌های اولیه مطالعات حاضر با استفاده از مصاحبه و مشاهدات میدانی، جمع‌آوری شد. داده‌های کلامی و تصویری (نقشه‌های شناختی) برای بازنمود تجربه و خاطرات جمعی، به رویکرد کیفی مطالعات ارتباطی می‌یابد.^۱ تدوین متن مصاحبه و تعریف سوالات مناسب، به گونه‌ای که همه پاسخگویان درک همانندی از پرسش داشته باشند، مد نظر قرار گرفته است. همچنین، در مصاحبه، گفتگویی هدفمند برای درک و ژرفکاوای زمینه‌ها و عوامل صورت گرفت. کلیه مصاحبه‌ها ضبط و سپس کلمه به کلمه دست‌نویس شده است.

فرایند تحقیق و ابزار تحلیل داده‌ها: از آنجا که متغیرهای مطالعه هم از نوع کمی و هم کیفی می‌باشند. تحلیل منظر ذهنی شهروندان^۲ به منظور استخراج خاطرات جمعی و روایت‌های برگرفته از ارزش‌های فرهنگی نهفته در آنها، مبنای تحلیل کیفی قرار گرفت. این مطالعه کیفی، از نوع گراند تئوری است.

جامعه آماری و حجم نمونه: جامعه آماری ساکنین شهر بجنورد می‌باشد. در این پژوهش از مصاحبه نیمه ساختاریافته برای دستیابی به داده‌های اولیه، استفاده می‌شود. نحوه انتخاب افراد بر اساس قدمت سکونت و شناخت از گذشته شهر بجنورد خواهد بود. شیوه نمونه‌گیری در پژوهش، نمونه‌گیری نظری^۳ بوده است، بدین ترتیب که برای گردآوری اطلاعات، محقق کیفی با افرادی تماس برقرار کرده است که در زمینه موضوع بحث یا جنبه‌های آن دارای اطلاعاتی باشند (تعامل با افراد مطلع). لذا انتخاب مشارکت‌کنندگان با روش گلوله برفی^۴ است و داده‌های پژوهش در خاتمه از ۵۱ نفر از ساکنان شهر به شیوه مصاحبه روش نیمه ساختاریافته گردآوری شده است. به طوری که انتخاب تعداد مشارکت‌کنندگان و حجم نمونه تا زمان اشباع نظری داده‌ها ادامه یافته است. یعنی جریان مصاحبه و انتخاب نفرات تا زمان تکراری شدن پاسخ‌ها و نبود داده‌های تازه برقرار بوده است. به این ترتیب، مصاحبه با ۲۵ نفر از افراد شهر بجنورد (بصورت هدفمند) شروع و در ادامه مبتنی بر نیاز مطالعه به روش نظری انتخاب شدند. فرایند نمونه‌گیری تا زمان اشباع مفهومی ادامه یافت. در نهایت (تا جایی که پاسخ‌های افراد تکراری به نظر می‌رسد) با ۵۱ نفر خاتمه یافته است (ملاک اندازه نمونه، کفایت تئوریک است). روایی و پایایی داده‌ها با معیارها و واژه‌های پژوهش کیفی سنجیده شده است. مقبولیت (قابل پذیرش بودن داده‌ها- جمع‌آوری داده‌های حقیقی) داده‌ها با انواعی از روش‌ها بررسی شد؛ بررسی مداوم، تحلیل هم‌زمان داده‌ها و بازخورد به پژوهش، تخصیص زمان کافی، انتخاب مطلعین اصلی و بازنگری ناظری، بدین منظور انجام شد. در ارتباط با اعتبار و اعتماد داده‌ها، داده‌های این مطالعه با شرکت‌کنندگان، همکاران و متخصصین حوزه مورد بررسی قرار گرفت. اطلاعاتی از مصاحبه بطور هم‌زمان با استفاده از روش مقایسه‌ای مداوم تجزیه و تحلیل شد. کدگذاری باز، محوری و انتخابی برای این اطلاعات به کار گرفته شد. مصاحبه‌ها به صورت چهره به چهره در سطح محله و حتی خانه‌های مشارکت‌کننده صورت گرفته است (با کسب اجازه از فرد، صدا ضبط شده است). بازه سنی مصاحبه شونده‌گان ۱۷ تا ۶۱ سال با میانگین سنی ۳۳ سال است. قدمت سکونت مشارکت‌کنندگان در محله فعلی سکونت بین ۱ تا ۶۱ سال (با میانگین ۱۵ سال) می‌باشد در حالیکه قدمت سکونت در شهر بجنورد در بازه ۴ تا ۶۱ سال (با میانگین ۲۵ سال) قرار دارد.

روش‌شناسی: «گراند تئوری یک روش تحقیق کیفی است که برای بررسی فرآیندهای اجتماعی موجود در تعاملات انسانی به کار می‌رود (خانکه و همکاران، ۱۳۸۶: ۸۷)». با اذعان به آنکه خاطرات جمعی، واقعیات خارج از انسان نیستند، بلکه در

۱- از مهم‌ترین شیوه‌های گردآوری داده‌های کیفی در مطالعات شهرسازی، مصاحبه و مشاهده است (گرامی و نیکبخت، ۱۳۹۵: ۲).
 ۲- کوین لینچ (۱۹۸۰) نشان داد که مردم از عناصر مختلفی برای ساختاردهی شهرها در ذهن خود، استفاده می‌کنند. اپلیارد یک روش بررسی را اینگونه معرفی می‌کند: مردم پرسش می‌شوند تا نقشه‌ای از کل شهر بین دو مکان مشخص یا محله خودشان را ترسیم کنند (Appleyard, 1970: 100).
 ۳- ابعاد سنت تحقیق کیفی (نظریه زمینه‌ای) از نظر کراسول: مصاحبه با حدود ۲۰ الی ۳۰ نفر جهت اشباع کردن مقوله‌ها و جزئیات نظریه (محمدپور، ۱۳۸۹: ۳۲).

۴- قلمروی پژوهش

شهرستان بجنورد، مرکز استان خراسان شمالی، در مسیر شاهراه آسیایی به طول جغرافیایی ۵۷،۱۹ درجه و عرض جغرافیایی ۳۷،۲۸ درجه است. محدوده قلمرو پژوهش حاضر شهر بجنورد است که در تصویر ذیل نشان داده شده است.



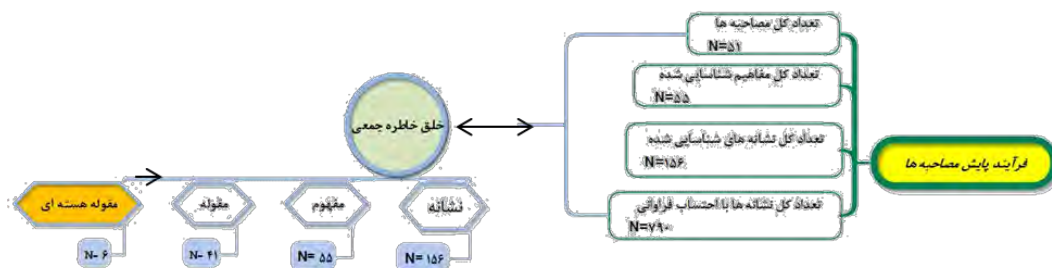
شکل ۲- موقعیت شهر بجنورد در تقسیمات کشوری و استان خراسان شمالی

۵- یافته‌ها

شرکت‌کنندگان تحقیق حاضر، شامل ۵۱ نفر (۳۶ درصد زن و ۳۷ درصد مرد) که دارای تجربه زندگی در شهر بجنورد (افراد مطلع) بودند، می‌باشند. متوسط سن شرکت‌کنندگان در مصاحبه ۳۳ سال بوده است. به لحاظ تحصیلات، ۱۸ درصد دارای تحصیلات دیپلم یا پایین‌تر، ۳۱ درصد دارای تحصیلات کارشناسی (یا فوق‌دیپلم) و نهایتاً ۵۱ درصد دارای تحصیلات کارشناسی-ارشد یا دکتری تخصصی بوده‌اند. همچنین ۴۳ درصد از پاسخ‌دهندگان مجرد و ۵۷ درصد متاهل بوده‌اند. به لحاظ قدمت سکونت در محله فعلی سکونت، متوسط ۱۵ سال و از منظر قدمت سکونت در شهر بجنورد، بطور متوسط ۲۵ سال محاسبه شده است. نظریه زمینه‌ای با حساسیت نظری شروع می‌شود که به عنوان توانایی محقق برای فهم نکته‌ها و ظرافت‌ها در داده‌ها تعریف می‌شود (فراست، ۲۰۱۱: ۲۷). اولین بار گلاسر و استراوس مفهوم حساسیت نظری را مطرح ساختند (Glaser and Strauss, 1967). روش‌شناسی نظریه زمینه‌ای مستلزم شناخت پایه‌های آن در ذیل "مفاهیم" و "مقولات" مرتبط است. "مفاهیم" واحدهای بنیادی تحلیل داده‌ها در نظریه زمینه‌ای هستند. یعنی نکات کلیدی داده‌های استخراج شده بر اساس قیاس و پرسشگری هستند که برای آن‌ها یک "شناسه (کد)" تعیین می‌شود. سپس شناسه‌هایی که به جنبه مشترک یک پدیده اشاره دارند با مقایسه دسته‌بندی و تحت عنوان "مفهوم" خوانده می‌شوند. "مقولات" در نظریه زمینه‌ای، نسبت به مفاهیم انتزاعی‌تر هستند و در سطح بالاتری قرار دارند. از ترکیب و کنار هم قرارگرفتن چند "مفهوم"، یک "مقوله" تشکیل می‌شود. "مقولات" شالوده‌های تدوین نظریه‌اند و ابزاری را فراهم می‌کنند تا نظریه انسجام یابد (رحیم نیا، ۱۳۹۴: ۱۵۶ و لک، ۱۳۹۳: ۴۷). گراند تئوری، روشی برای تولید نظریه است که از همان ابتدای شروع پژوهش تا پایان آن، به صورت مداوم، ادامه می‌یابد. نظریه زمینه‌ای در میدان پژوهش تبیین‌شده و داده‌های حاصل از مشاهده و مصاحبه را به کار می‌گیرد. در این پژوهش، بعد از پیاده‌کردن مصاحبه-

۱ - روش زمینه‌ای می‌تواند کاربرد گسترده‌ای را در خلق فرضیات و تئوری‌های جدید در علم شهرسازی پایه‌گذار شود (شکیبایی، ۱۳۹۴: ۲۵۱۳).
 2 - Maxqda12
 3 - MindMapper professional ۱۲
 4 - concept
 5 - categories
 6 - code

ها در فرآیند تحلیل و کدگذاری، در مرحله کدگذاری باز، ۵۵ «مفهوم» استخراج شده‌اند که در قالب ۴۱ «مقوله» و ۶ «مقوله هسته-ای» قرار گرفته‌اند. مقولات هسته‌ای عبارتند از: نشاننداری فضا (مکان خاص)، طراحی پوسته‌ها و جداره‌ها، عناصر کالبدی-عملکردی خاص، هنرهای بومی و مراسمات محلی، سابقه تاریخی مکان‌ها و پیشینه شهر و ساختار آن. در واکاوی خط به خط مصاحبه‌ها و تحلیل کیفی نقشه‌های تصویر ذهنی، مجموعاً ۱۵۶ نشانه (کد) ارجاع داده شده‌است. در مطالعات حاضر، ابتدا تمام عوامل استخراج شده به‌عنوان کد در نظر گرفته می‌شود. سپس با در نظر گرفتن مفهوم هر یک از کدها، آن‌ها در یک مفهوم مشابه دسته‌بندی می‌شود. به این ترتیب، مفاهیم مقوله‌های اصلی پژوهش شکل داده می‌شود. مبنای دسته‌بندی این کدها، برحسب میزان تشابه کدهای مختلف با یکدیگر است. در جدول ۱، مقولات هسته‌ای، مقوله، مفاهیم و نشانه‌ها ارائه شده‌است. در پژوهش حاضر، ۱۵۶ کد در نرم‌افزار مکس کیودا^۱ ارجاعی شناسایی شد. از این حیث، با در نظر گرفتن فراوانی در مجموع ۷۹۰ کد با فراوانی استخراج شد. فرآیند پایش مصاحبه‌ها در شکل ۳ نشان داده شده‌است.



شکل ۳- فرآیند پایش مصاحبه‌ها (روند شناسایی مفهوم خاطره جمعی در شهر بجنورد)

مهم‌ترین نشانه‌های برداشت‌شده از منظر مصاحبه‌شوندگان بجنوردی با توجه به اهمیت و تکرار (فراوانی) به این ترتیب است: آئینه خانه مفخم (N=۶۰)، تفرجگاه بش قارداش (N=۳۶)، واژه یا اصطلاح بیژن یورد (N=۳۴)، عمت سردار مفخم (N=۲۹)، مجموعه سبزه‌میدان (N=۲۶)، پدیده قرارگرفتن نماهای جدید و قدیم در کنار یکدیگر (آنچنان که شهروندان با توجه به تغییرات بسیار فزاینده در مسیر توسعه شهر بجنورد، این نماها را در شهر و در ذهن خود دنبال می‌کنند، و بعضاً در آدرس‌دهی‌ها از آن استفاده می‌کنند) (N=۲۴)، پدیده استان شدن خراسان شمالی (مرکزیت یافتن شهر بجنورد در سال ۱۳۸۴) بعنوان یک نقطه عطف در اذهان شهروندان نقش بسته است، عاملی که از آن بعنوان مولد توسعه شهر و به تبع آن افزایش امکانات و تجهیزات شهری نام برده می‌شود (N=۲۴)، میدان شهید (مرکز شهر) (N=۲۳)، احساس تعلق به شهر و اهمیت سکونت در آن (N=۲۳)، مجموعه بابا امان بجنورد (N=۲۱)، اصطلاح بیژن‌گرد (N=۱۷)، تغییرات جدید در شهر به لحاظ مبلمان شهری و پیاده‌روها (N=۱۶)، رقص محلی (N=۱۶)، موسیقی محلی- سنتی و مقامی (N=۱۵)، حسینیه جاجرمی (N=۱۴) و تپه معصوم زاده (N=۱۴) بوده‌است. در میان مقوله‌های هسته‌ای، به ترتیب، «نشاننداری فضا (مکان خاص)» با ۴۶٫۸ درصد و «هنرهای بومی و مراسمات محلی» با ۲۲٫۴ درصد فراوانی نسبی، دارای بیشترین ارجاع و اهمیت هستند.

جدول ۱- فراوانی کدهای استخراج شده

مقوله هسته‌ای	فراوانی کدها (نشانه‌ها)	سهم نسبی (درصد)
نشاننداری فضا (مکان خاص)	۷۳	۴۶٫۸
طراحی پوسته‌ها و جداره‌ها	۱۲	۷٫۷
عناصر کالبدی- عملکردی خاص	۱۰	۶٫۴
هنرهای بومی و مراسمات محلی	۳۵	۲۲٫۴
سبقه تاریخی و وابستگی مکانی	۷	۴٫۵
پیشینه شهر و ساختار آن	۱۹	۱۲٫۲
مجموع	۱۵۶	۱۰۰٫۰

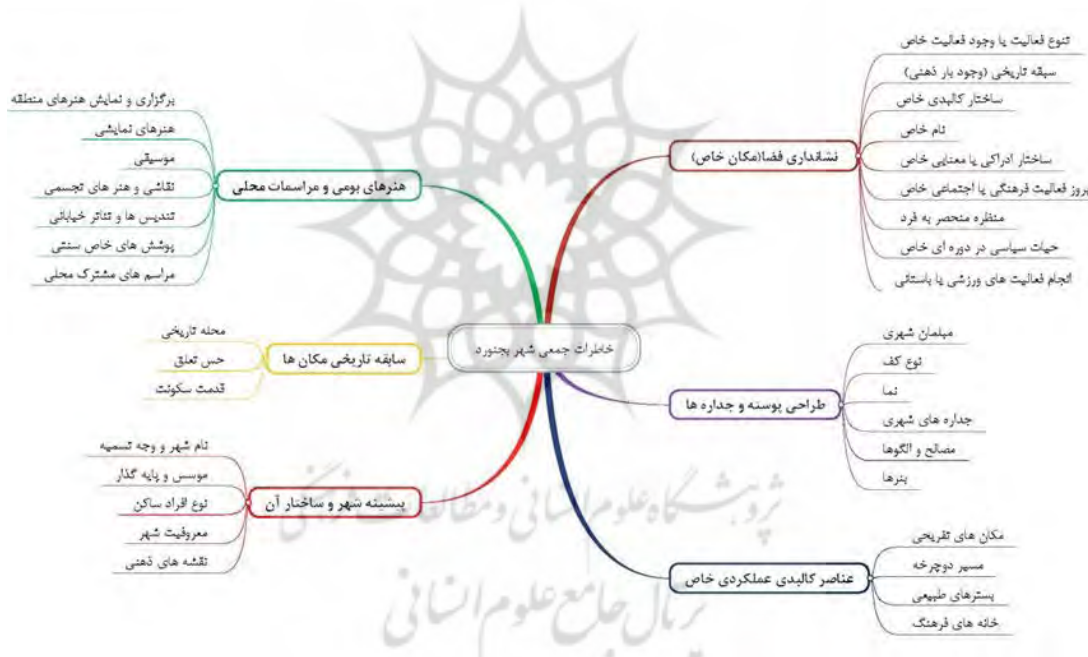
۱ - نرم افزار مکس کیو دی ای، یکی از نرم افزارهای کیفی برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های غیر کمی می‌باشد و در حوزه متون، تصاویر، فیلم، عکس و ... می‌تواند کاربرد مناسبی در بخش تبیین و تحلیل نظری پدیده‌های اجتماعی و فرهنگی داشته باشد (علی بابایی، ۱۳۹۲، ۱).

۲ - این عامل برای بسیاری با توجه به وابستگی خانوادگی و فامیلی در شهر و احساس تعلق به آن مطرح بود. برخی نیز به دلیل محل کار خود، برای شهر اهمیت زیادی قائل بوده‌اند.

میزان توافق میان نشانه‌های مختلف در میان کدهای ارجاعی شناسایی شده در نرم افزار مکس کیو دا (نسخه ۲۰۱۸) قابل بازیابی است. در واقع این توافق از طریق میزان تکرار (فراوانی) هر نشانه نسبت به نشانه دیگر، بوجود می‌آید. اینکه هر نشانه، در نزدیک‌ترین مجاورت خود، کدام نشانه‌ها را بیشتر داشته است. بعنوان مثال، دو نشانه آئینه‌خانه مفخم و عمارت مفخم بیشترین توافق ارتباطی را داشته‌اند. همچنین، دو نشانه اصطلاح بیژن یورد و بیژن‌گرد، با اهمیت زندگی در شهر بجنورد، ارتباط داشته‌اند (شکل ۴). همچنین مقولات هسته ای و مقوله اصلی در بازتولید مفهوم خاطره جمعی در شهر بجنورد طبق یافته‌ها، در شکل ۶ نمایش داده شده‌اند.

Code System	1...نفرح	2...عمار	3...آئینه	4...معم	5...بیژن	6...بیژن	7...اهم	8...مو	9...رفص	10...بابا	11...است	12...فیدا	13...نای	14...سب	15...سبزه میدان
تعبیرات جدید در میلمان و پیاده رو 67															
حسینیه خارجی 65															
نمایش جدید 40															
میدان شهید 37															
اسمان شدن بجنورد 35															
بابا امام 24															
رفص 19															
موسیقی محلی- سنتی- مقامی 18															
اهمیت دارد 12															
بیژن یورد 11															
بیژن گرد 9															
معموم زاده 7															
آئینه خانه 6															
عمارت سردار مفخم 5															
نفرحگاه بش فارداسی 1															

شکل ۴- میزان توافق میان نشانه‌های استخراجی با بیشترین فراوانی در نرم افزار مکس کیو دا



شکل ۵- مقولات هسته ای و مقوله اصلی در بازتولید مفهوم خاطره جمعی در شهر بجنورد

۶- نتیجه گیری

با توجه به اهمیت بحث خاطرات جمعی در فرآیند هویت بخشی به شهرها، مفاهیم فرهنگ، ارزش‌های فرهنگی، کالبد (محیط شهری) و هویت شهری در ادبیات موضوع پرداخته شد و نتیجتاً به ارائه مدلی جهت نشان دادن روابط بینی مولفه‌های پیش گفته، پرداخته شد. اشاره شد که «خاطره» از نوع حافظه صریح و معنایی می باشد که یکی از مهم‌ترین عناصر در حفظ تجربیات نسل گذشته و حافظه شهرهاست. اصولاً شهر بدون خاطره، شهر بدون هویت است و خاطرات جمعی سهم بسزایی در انتقال ارزش‌های فرهنگی حاکم بر جامعه و استمرار آن دارند. با توجه به وجهه «مشترک بودن» خاطرات جمعی بین ساکنین یک شهر، این عناصر بعنوان نماد هویت بخش شهر، که نماد اشتراکات گروهی از انسان‌ها نیز هستند، قابل طرح است. در این پژوهش با استفاده از ۵۱ مصاحبه نیمه ساختاریافته، سعی شد تا نشانه‌ها و مصادیق خاطرات جمعی شهر بجنورد شناسایی شود. در روند مطالعه، ۱۵۶ کد در نرم‌افزار مکس کیو دا ارجاعی شناسایی شد. لازم به ذکر است که برخی از کدهای شناسایی شده دارای چندین فراوانی بود. از این

حیث با در نظر گرفتن فراوانی، ۷۹۰ کد با فراوانی استخراج شد. در میان کدهای شناسایی شده، واکاوی و بازتولید مفاهیم، مقولات اصلی و مقولات هسته‌ای بر اساس پیشینه پژوهشی و موضوع مدنظر قرار گرفت. ۶ مقوله هسته‌ای شناسایی شد، که در این بین، مقوله هسته‌ای نشاننداری مکان (در رده مقولات کالبدی) با ۴۶٫۸ درصد و مقوله هسته‌ای هنرهای بومی و مراسم محلی (در رده مقولات غیر کالبدی) با ۲۲٫۴ درصد بیشترین کد ارجاعی را در بر می‌گیرند. نتیجتاً، می‌توان مدل مفهومی و چارچوب نظری «مفهوم خاطرات جمعی» در شهر بجنورد را (شکل ۶) استنباط و تدوین نمود.

با ایجاد رابطه‌ای محسوس و به تبع آن رابطه‌ای ملموس بین جامعه و شهر، می‌توان نمادهای هویتی نهفته یک شهر را در ذهن شهروندان جدای از روزمرگی، به نمادهایی با هویت پویا تبدیل کرد. عوامل هویت بخش یک شهر، اگر در فرآیند انطباق با صورت خیالیه، عادات اکتسابی تداعی، حافظه، خاطره و تجربه موفق باشند، کارکرد قوی‌تری در ساختار دهی به ساختار عینی و ذهنی شهر خواهند داشت. در عین حال، اگر کالبد نمود ارزش‌های هویت ساز یک جامعه باشد، برای انتقال فرهنگ شهر و جلوه های فرهنگی آن از نسلی به نسل دیگر نیز موفق تر خواهد بود (عنصری هویت ساز برای انسان هویت پرداز می‌شود). فرهنگ یک شهر مساله ای درخور توجه بسیار است؛ تا جایی که از اهمیت فرهنگ برای یک جامعه با تمثیلی چون حافظه برای فرد، یاد می‌کنند. به عبارت دیگر، این فرهنگ ها است که اساساً وجوه زندگی انسانی و اجتماعی را شکل می‌دهند. از این منظر، هویت به عنوان مفهومی اجتماعی، یک ساختار اجتماعی محسوب می‌شود که به شدت متأثر از فرهنگ حاکم بر جامعه است. فرهنگ بعنوان زمینه تمامی ارزش های حاکم بر جامعه، عامل ارتباط ساز نسل های مختلف تجربه کننده شهر و به عبارت بهتر، عامل هویت ساز نسل‌ها با تجربه های مختلف از شهر، دوران های تاریخی و به طور کلی حافظه شهرها هستند. در این بین، اگر بتوان در گذار بحران هویتی کنونی شهر ها که با تناقض هویت دنیای سنتی و مدرن مواجه هستند، هویتی منبعث از ارزش های فرهنگی حاکم بر جامعه ایجاد نمود، در واقع حافظه شهرها را حفظ کرده ایم و این یعنی حفظ و شکل دهی به هویت منحصر به فرد و بومی یک شهر. آنچه در این پژوهش در پی تدوین مدل نظری و مفهومی خاطرات جمعی شهروندان شهر بجنورد، مورد کنکاش قرار گرفت.

۷- پیشنهادات و ارائه راهکار

۱. برنامه‌ریزان و طراحان شهری می‌توانند با توجه به متغیرهایی که دارای بیشترین ارجاع و فراوانی هستند (از اهمیت بیشتری برخوردارند)، طرح‌های توسعه شهری را هدفمندتر تدوین نمایند. در واقع برخی عناصر و نشانه‌های ماندگار در اذهان مردم، اگر در طراحی‌ها مد نظر قرار گیرد، ساختار قوی‌تری از شهر در ذهن مردم شکل می‌گیرد. ساختاری که در برخی از کانون‌های توسعه خود، مظهر بروز خاطرات جمعی و حیات واقعه‌ای است.

۲. می‌توان با علم بر عناصر و نشانه‌های مولد خاطرات جمعی در شهر بجنورد (یافته‌ها)، تحقیق‌های موردی پیرامون ظرفیت عرصه‌های عمومی شهر در راستای تولید خاطرات جمعی، انجام داد.

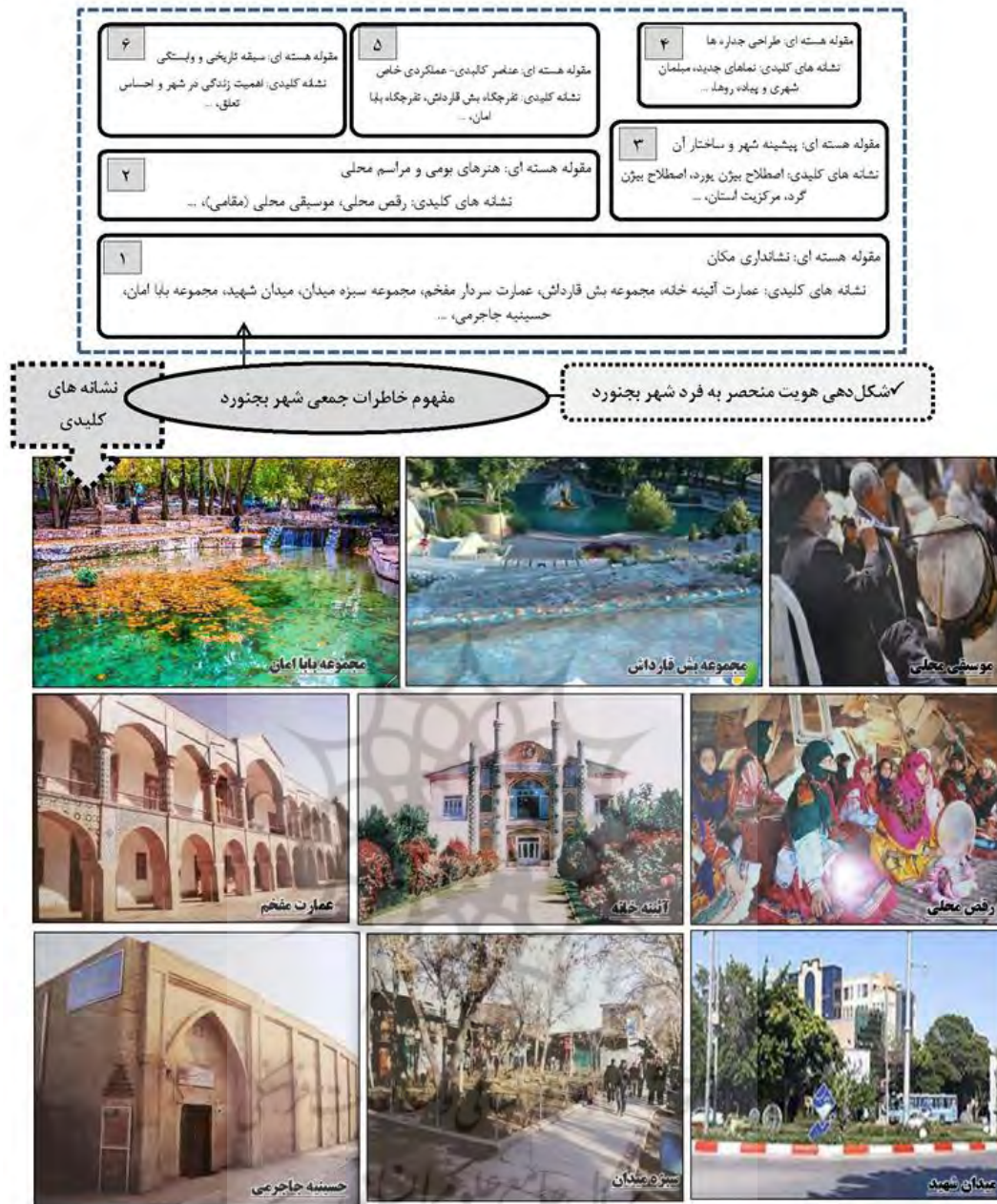
۳. با توجه به شناسایی ۱۵۶ نشانه موثر در تولید خاطرات جمعی در شهر بجنورد از منظر ساکنین شهر، می‌توان این نشانه‌ها را بار دیگر مورد واکاوی قرار داد و برخی از آنها که ممکن است بار جمعی کمتری داشته باشند و در واقع بیشتر خاطرات فردی تجربه فضای شهر است (نشانه‌ها با تعداد فراوانی خیلی کم)، را حذف کرد. همچنین با تکنیک‌های ارزیابی چند معیاره، نشانه‌ها را اولویت بندی کمی کرد. همچنین می‌توان با تکنیک دیمتل، اثرات نشانه‌ها بر یکدیگر (تاثیر و تاثرات) را شناسایی و ارتباطات بین آنها را کشف کرد.

۴. ارائه تقویم و فهرست رویدادهای جمعی شهر در طول سال با همکاری سازمان‌های چندرسانه‌ای و غیره.

۵. برپایی مراسم و آیین‌های ویژه، فروشگاه و نمایشگاه محصولات و صنایع دستی بومی شهر. در این راستا، می‌توان امور مرتبط را به بخش‌های خصوصی واگذار کرد.

۶. از آنجا که هم مقولات کالبدی (طبق یافته‌ها مقوله نشاننداری مکان) و هم مقولات غیر کالبدی (طبق یافته‌ها هنرهای بومی و مراسم محلی) در شکل‌دهی خاطرات جمعی نقش داشته‌اند، اهمیت هر دو بعد مقوله، در طراحی فضاهای شهری بجنورد باستی مد نظر قرار بگیرد. در این حالت است که دیگر مکان صرفاً یک «جا» نخواهد بود، بلکه جایی خاص خواهد بود که امتزاج آن با ارزش‌های بشری، آن را منحصر به فرد کرده و هویت ویژه‌ای برای آن شکل داده است.

نهایتاً هرگونه برنامه‌ریزی و طراحی شهر بجنورد بایستی با تأکید بر هویت، خاطره و معنای محیط‌های شهری صورت پذیرد و ارتقای کیفیت فضاهای در شهر بجنورد باید در جهت تعادل بخشی بین عناصر کالبدی و غیر کالبدی شناسایی شده در تولید خاطره جمعی بجنورد صورت گیرد. در این حالت خواهد بود که مجموعه فضاهای شهری بجنورد، دارای ویژگی‌های منحصر به فردی خواهند بود که از طریق مقابله با ارزش‌ها و مفاهیمی که در سایر مکان‌ها وجود دارد، آن را از سایر مکان‌ها و فضاهای شهری دیگر متمایز خواهد ساخت و این امر هویت ویژه شهر بجنورد را شکل خواهد داد.



شکل ۶- مفهوم تبیینی از «خاطرات جمعی» در شهر بجنورد به منظور شکل‌دهی به هویت منحصر به فرد شهری

منابع

۱. احمدی، یعقوب (۱۳۹۳)، گونه شناسی ارزش های فرهنگی مبتنی بر هویت جمعی (مطالعه ی شهروندان سنندج)، فصلنامه مسائل اجتماعی ایران، سال پنجم، شماره ۱، ۳۲-۷.
۲. اهری، زهرا (۱۳۹۰)، شهر، جشن، خاطره (تاملی در نسبت فضاها و جشن های شهری در دوران صفویان و قاجاریان)، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۴۷، ۱۶-۵.
۳. بهزادفر، مصطفی (۱۳۸۶)، هویت شهر (نگاهی به هویت شهر تهران)، انتشارات شهر شهر، چاپ اول.
۴. ترکاشوند، عباس و حیدر جهانبخش و مریم کریمی نژاد (۱۳۹۶)، بازشناسی مولفه ای تاثیرگذار بر شکل گیری هویت و خاطره جمعی در فضاهای شهری پیرامون پل های تاریخی، نشریه علمی- پژوهشی انجمن علمی معماری شهرسازی ایران، شماره ۱۳، ۱۴-۵.

۵. حبیب، فرح و سید مجید نادری و حمیده فروزانگر (۱۳۸۷)، پرسیمان تبعی در گفتمان کالبد شهر و هویت، نشریه هویت شهر، سال دوم، شماره ۳، ۲۳-۱۳.
۶. حبیبی، محسن (۱۳۷۸)، فضای شهری، حیات واقعه ای و خاطره های جمعی، شماره ۱۶، فصلنامه صفا، ۲۱-۱۶.
۷. حجت، عیسی (۱۳۸۴)، هویت انسان ساز، انسان هویت پرداز (تاملی در رابطه هویت و معماری)، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۴، ۶۲-۵۵.
۸. حسنی میان رودی، نسیم و حمید ماجدی و زهرا سادات سعیده زرابادی و یوسفعلی زیاری (۱۳۹۶)، واکاوی مفهوم خاطره جمعی و بازیابی آن در فضاهای شهری با رویکرد نشانه شناسی- نمونه موردی میدان حسن آباد، فصلنامه باغ نظر، سال چهاردهم، شماره ۵۶، ۳۲-۱۷.
۹. حسینی کومله، مصطفی (۱۳۸۷)، نقش باورهای اسطوره ای و خاطرات تاریخی در پایداری یک سکونتگاه، مجموعه مقالات اولین کنفرانس بین المللی سکونتگاه های سنتی زاگرس، دانشگاه کردستان، سنندج.
۱۰. حسینی کومله، مصطفی و فاطمه ستوده علمباز (۱۳۹۲) و نقش خاطره جمعی در باززنده سازی بافت های شهری، ارائه راهکار در خصوص ناحیه تاریخی لاهیجان، نشریه هنرهای زیبا، دوره ۱۸، شماره ۴، ۷۹-۹۲.
۱۱. حناچی، پیروز و محمود پورسراجیان (۱۳۹۳)، احیای بافت شهری تاریخی با رویکرد مشارکت، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم.
۱۲. حیدری منش، لیلی و محمد پیر محمدی (۱۳۹۵)، بررسی نقش خاطره انگیزی در پایداری محله ها، سومین کنفرانس بین المللی علوم و مهندسی، استانبول- کشور ترکیه، موسسه مدیران ایده پرداز پایتخت ویرادانش پژوه، حمید و الیاس مدیری (۱۳۹۳)، هویت مکان و مکان سازی، انتشارات آذرخش، چاپ اول.
۱۳. خانکه، حمیدرضا و رخشنده محمدی و فضل الله احمدی (۱۳۸۶)، وضعیت ارائه خدمات سلامتی در زمان وقوع بلایای طبیعی: یک مطالعه کیفی، فصلنامه پرستاری ایران، دوره بیستم، شماره ۵۱، ۹۵-۸۵.
۱۴. خستو، مریم و فرح حبیب (۱۳۹۵) و رویکردی تحلیل به تاثیر کالبد شهر بر فرهنگ با تاکید بر بافت شهری، مطالعه موردی شهر قزوین، فصلنامه شهر ایرانی- اسلامی، سال هفتم، شماره ۲۶، ۴۲-۳۱.
۱۵. دانشپور، عبدالهادی (۱۳۸۳)، درآمدی بر مفهوم و کارکرد هویت محیط انسان ساخت، مجله باغ نظر، شماره اول، بهار، ۷۰-۵۹.
۱۶. رحیم نیا، رضا و مهران قرائتی و علی زمانی فرد (۱۳۹۴)، کاربرد نظریه زمینه ای در پژوهش های مرتبط با دانش بومی حفاظت؛ رویکردی برای پاسداشت میراث فرهنگی ناملوس، دو فصلنامه دانش های بومی ایران، سال دوم، شماره ۴، ۱۷۵-۱۴۳.
۱۷. رضوانی، لیلا (۱۳۹۵)، فرهنگ و هویت محله، نشر جامعه شناسان، چاپ اول.
۱۸. زکی، محمد علی (۱۳۸۷)، ارز های فرهنگی، الگوهای اجتماعی، فاصله اجتماعی، رشد آموزش علوم اجتماعی، شماره ۴۰، ۴۲-۵۱.
۱۹. زندیه، مهدی و آسیه ساما (۱۳۸۸)، خاطره، هویت، منظر (نقش عناصر منظر در تشکیل هویت شهر)، فصلنامه منظر، شماره سوم، ص ۷۸.
۲۰. ساعدپناه، حمید و وریا اساسی (۱۳۹۴)، تحلیلی بر نقش خاطره جمعی در طرح های احیا و باززنده سازی بافت های تاریخی (نمونه موردی: بازار سنندج)، مجموعه مقالات دومین همایش ملی معماری، عمران و توسعه ی نوین شهری، ارومیه.
۲۱. سلطانی، علی و ابراهیم زرگری مرنندی و احمد علی نامداریان (۱۳۹۱)، شکل گیری، تقویت و مانایی خاطره در فضاهای شهری- نمونه موردی محور شهید چمران شیراز، فصلنامه مسکن و محیط روستا، شماره ۱۴۱، ۹۸-۸۷.
۲۲. شایگان، داریوش (۱۳۹۶)، افسون زدگی جدید (هویت چهل تکه و تفکر سیار)، مترجم: فاطمه ولیانی، مجله فلسفه بخارا، ۷-۱۶.
۲۳. شرف الدین، سید حسین و اسماعیل چراغی کوتیانی (۱۳۹۳)، نقش فرهنگ و ساختارهای فرهنگی در تحولات جمعیتی، فصلنامه معرفت فرهنگی اجتماعی، شماره ۲۱، ۷۸-۵۱.
۲۴. شکیبایی، فاطمه (۱۳۹۴)، کاربرد روش تئوری زمینه ای در برنامه ریزی شهری، نمونه موردی: ارزیابی تطبیقی مفهوم رضایتمندی از دیدگاه متخصصین و بهره برداران شهری، مجموعه مقالات اولین کنفرانس تخصصی معماری و شهرسازی ایران، موسسه عالی علوم و فناوری خوارزمی، شیراز، ایران.
۲۵. صدقی، ستاره و کاوه بذرافکن (۱۳۹۶) رابطه تجربه ی جمعی در زندگی روزمره و اجتماع پذیر شدن فضا، مجموعه مقالات چهارمین کنفرانس بین المللی عمران، معماری و توسعه اقتصاد شهری، شیراز.

۲۶. سگری، علی و پرستو نقیبه راد (۱۳۹۲)، ضرورت و معیارهای ثبت و ایجاد خاطره ی جمعی در فضای باز شهری، مجموعه مقالات همایش ملی معماری پایدار و توسعه شهری، بوکان.
۲۷. علی بابایی، یحیی (۱۳۹۲)، جزوه آموزشی نرم افزار کیفی مکس کیو دا (MAXQDA) به زبان ساده، مرکز تحصیلات تکمیلی دانشگاه پیام نور، گروه جامعه شناسی.
۲۸. فاضلی، نعمت الله (۱۳۹۲)، فرهنگ و شهر؛ چرخش فرهنگی در گفتمان های شهری، انتشارات تپسا، چاپ دوم.
۲۹. فراست، نولایج (۲۰۱۱)، روش های تحقیق کیفی در روانشناسی: رویکردهای ترکیبی، ترجمه: ملاحظت امانی و محمدجواد شباهنگ، انتشارات سنجش و دانش، چاپ اول.
۳۰. فیلدن، برنارد و یوکا یوکیلیتو (۱۳۸۲)، ارزش گذاری به منظور حفاظت، ترجمه: بهرام معلمی، فصلنامه هفت شهر، سال چهارم، شماره ۱۲ و ۱۳، ۱۷-۲۵.
۳۱. قاسمی اصفهانی، مروارید (۱۳۸۳): اهل کجا هستیم؟، انتشارات روزنه، تهران.
۳۲. قطبی، علی اکبر (۱۳۸۷)، معماری امروز ایران و مسئله هویت: مفهوم هویت و معماری امروز ایران، نشریه آینه خیال، شماره ۱۰، ۷۸-۸۳.
۳۳. گرامی، فرزاد و محمد نیکبخت، (۱۳۹۵)، روش تحقیق بر اساس رویکرد نظریه پایه، مجموعه مقالات کنفرانس بین المللی مهندسی صنایع و مدیریت، تهران، دبیرخانه دایمی کنفرانس.
۳۴. لک، آزاده (۱۳۹۳)، کاربرد نظریه زمینه ای در پژوهش های طراحی شهری، فصلنامه صفا، شماره ۶۴، ۶۰-۴۳.
۳۵. محمدپور، احمد (۱۳۸۹)، فراروش بنیان های فلسفی و عملی روش تحقیق ترکیبی در علوم اجتماعی و رفتاری، انتشارات جامعه شناسان، تهران.
۳۶. مسعود، محمد و بیگ زاده شهرکی، حمیدرضا (۱۳۹۱): بناهای میان افزا در بافت های تاریخی، انتشارات آذرخش، تهران.
۳۷. مطلبی، قاسم و آرین شیدفر (۱۳۹۲)، بحران هویت در معماری معاصر ایران و بهره گیری از تجربه سایر کشورها در بازتعریف هویت معماری ایرانی- اسلامی (نمونه موردی: هند و ژاپن)، مجموعه مقالات دومین همایش ملی معماری و شهرسازی اسلامی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز.
۳۸. موید حکمت، ناهید و بیوک محمدی و مریم السادات هاشمی فشارکی (۱۳۹۳)، ارزشهای فرهنگی غالب در سبکهای زندگی؛ (مطالعه ی موردی: شهر تهران)، فصلنامه جامعه پژوهی فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال پنجم، شماره سوم، ۱۱۹-۱۴۳.
۳۹. میرمقتدایی، مهتا (۱۳۸۸)، معیارهای سنجش امکان شکل گیری، ثبت و انتقال خاطرات جمعی در شهر- مطالعه موردی تهران، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۳۷، ۱۶-۵.
۴۰. ناری قمی، مسعود و محمد جواد عباس زاده (۱۳۹۳)، الگویی برای تنظیم رفتار در فضای معماری بر اساس الگوهای ایده آل رفتار- کالبد در اسلام (مطالعه موردی: نماز خانه های فرودگاه)، فصلنامه شهر ایرانی اسلامی، شماره هجدهم، ۶۶-۵۵.
۴۱. نجاتی، وحید (۱۳۹۳)، طراحی معماهای اجتماعی - شناختی برای سنجش ارزش های فرهنگی و بررسی روایی آن، فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، شماره ۲۵، ۶۸-۵۱.
۴۲. نژاد ابراهیمی، احد و مقدسیان، مریم (۱۳۹۳)، شناخت متغیرهای وابسته به ارزش در بافت های تاریخی- فرهنگی جهت برنامه ریزی برای بازآفرینی شهری، مطالعه موردی: خیابان ارگ مشهد، مجموعه مقالات ششمین کنفرانس ملی برنامه ریزی و مدیریت شهری با تاکید بر مولفه های شهر اسلامی، مشهد.
۴۳. نقره کار، عبدالحمید و مهران علی الحسابی (۱۳۹۶)، تحقق پذیری هویت در معماری و شهرسازی با تاکید بر ارتقای هویت اسلامی ایرانی در شهرهای جدید، انتشارات کتاب فکر نو.
۴۴. نقی زاده، محمد (۱۳۸۱)، تاثیر معماری و شهر بر ارزش های فرهنگی، فصلنامه هنرهای زیبا، شماره ۱۱، ۷۶-۶۲.
۴۵. مطلبی، قاسم و شیدفر، آرین (۱۳۹۲)، بحران هویت در معماری معاصر ایران و بهره گیری از تجربه سایر کشورها در بازتعریف هویت معماری ایرانی- اسلامی، مجموعه مقالات دومین همایش ملی معماری و شهرسازی اسلامی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز.
۴۶. هوبارد، فیل، (۱۳۹۴)، شهر، ترجمه افشین خاکباز، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول.
47. Appleyard, Donald (1970), styles and methods of structuring a city, Environmental Design Research Association, Published by: SAGE, <http://eab.sagepub.com/content/2/1/100>.
48. Assmann, Jan (1988), collective memory and cultural identity published in Kultur and Gedachtnis, eds, pp 9-19.
49. Bayliss, Darrin (2004), Creative Planning in Ireland: The Role of Culture-led Development in Irish Planning, European Planning Studies, Vol. 12, No. 4, 497-514.

50. Bristol city council (2015), Bristol local plan, Bristol Central Area Plan, Strategic City Planning.
51. Confino, Alon (1997), Collective Memory and Cultural History: Problems of Method, *The American Historical Review*, Vol. 102, No. 5, 1386-1403.
52. Crinson, Mark (2005), *Urban Memory -History and amnesia in the modern city*, published by Routledge.
53. Dogan, Evinc and Ibrahim Sirkeci (2013), The impact of a mega-event on city branding: The European Capital of Culture 2010 and the image of Istanbul, *Border Crossing, Transnational Working Papers*, NO1303, 29-50.
54. Eyerman, Ron (2003), *cultural truma (slavery and the formation of African American identity)*, Cambridge university press, First published in printed format 2001.
55. Glaser, Barney G. and Strauss, Anselm L, (1967), *The Discovery of Grounded Theory, Strategies for Qualitative Research*, Aldine Transaction ,A Division of Transaction Publishers, New Brunswick (U.S.A.) and London (U.K.), re printed 2006.
56. Gombrich, E. n. (1970) , *Aby Warburg : An Intellectual Biography, with a Memoir of the Library by F. Saxl*, London, The Warburg Institute.
57. Halbwachs, Maurice (1939), *individual consciousness and collective mind*, University of Chicago Press Terms and Conditions, 812-822.
58. Harold, Joshua & Eric Fong (2017), *Mobilizing memory: collective memory schemas and the social boundaries of Jews in Toronto*, *Ethnic and Racial Studies*, 1-19.
59. Huyssen, Andreas (1997), *The Voids of Berlin*, University of Chicago Press Terms and Conditions.
60. Tighe, J. Rosie, and Opelt, Timothy J. (2016), *Collective Memory and Planning: The Continuing Legacy of Urban Renewal in Asheville, NC*, *journal of planning history*, vol 15 (1), 46-67.
61. Jahanbakhsh, Heidar and Mostafa Hosseini Koumleh and Fatemeh Sotoudeh Alambaz (2015), *Methods and Techniques in Using Collective Memory in Urban Design: Achieving Social Sustainability in Urban Environments*, *Science Journal (CSJ)*, Vol. 36, No: 4 Special Issue, 19- 31.
62. Jein, Gillian & Laura Rorato & Anna Saunders (2017) *Introduction: city margins, city memories*, *Journal of Contemporary European Studies*, 25:4, 405-411.
63. Lewicka, Maria (2008), *Place attachment, place identity, and place memory: Restoring the forgotten city past*, *Journal of Environmental Psychology* 28 ,209–231.
64. Mellor, Patrick Douglas (2018), *episodic memory, phenomenal empathy, and the representation of time*, A thesis submitted to the faculty of San Francisco State University In partial fulfillment of the requirements for the degree (Master of Arts in Philosophy).
65. Michaelian, Kourken and John Sutton (2018), *Collective Memory*, *Routledge Handbook of Collective Intentionality*. Routledge. , DOI: 10.1007/s11229-017-1449-1 140-151.
66. Misztal, Barbara A. (2010), *Collective Memory in a Global Age, Learning How and What to Remember*, *International Sociological Association, current sociology*, vol58, no1, 24-44.
67. Olick Jeffrey K. and Joyce Robbins (1998), *SOCIAL MEMORY STUDIES: From Collective Memory” to the Historical Sociology of Mnemonic Practices* , *Annu. Rev. Sociol.* 24, 105-140 .
68. Rapoport, Amos (1983), *Development, culture change and supportive design*, *Habitat INTL*, Vol7, No 5/6, 249-268
69. Rapoport, Amos (2008), *some further thoughts on culture and environment*, *International Journal of Architectural Research*, Volume 2 ,Issue 1 , (16-39).
70. Ryan ,Maria and Madeleine Ogilvie (2011), *Uncovering Hidden Meanings, Values and Insights Through Photos*, *Electronic Journal of Business Research Methods* Volume 9 Issue 1, 25-34.
71. Schacter ,daniel l & james eric eich & endel tulvln (1978) , *Richard Semon's Theory of Memory* , *journal of verbal learning and verbal behavior* 17, 721-743 .
72. Yuen, Belinda (2005), *Searching for place identity in Singapore*, *Habitat International* 29 , 197–214.